

مشاغل و مناصب شیعیان در قرن‌های سوم تا ششم هجری قمری

مرضیه پروندی / استادیار دانشگاه امیرکبیر
حدیث جهانگیریان / کارشناس ارشد تاریخ تشیع

چکیده

تاریخ اجتماعی به عنوان گرایشی نو در بررسی تاریخ جوامع گذشته، تلاش می‌کند تا به زندگی روزانه مردم عادی توجه کند. در این مطالعات مؤلفه «مشاغل» به عنوان رکن اصلی حیات اجتماعی و اقتصادی، از اهمیت خاصی برخوردار است.

این نوشتار ضمن بررسی این مقوله از تاریخ اجتماعی شیعیان، به عنوان بخش مهمی از جامعه اسلامی ایران و عراق در قرن‌های سوم تا ششم هجری، به دنبال نشان دادن همسانی این گروه با سایر مسلمانان در مشاغل گوناگون و مشارکت در رونق و شکوفایی اقتصادی جهان اسلام و همچنین معرفی مناصب ویژه شیعیان در این دوره است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ اجتماعی، شیعه، شیعیان، مشاغل، مناصب

مقدمه

«تاریخ اجتماعی» دیدگاهی نوین در تاریخ‌نگاری است که برخلاف مورخان سنتی و توجه به زندگی حاکمان و وقایع سیاسی و نظامی، اجزای تشکیل‌دهنده زندگی روزانه مردم عادی را مطالعه و بررسی می‌کند. در این گرایش، برای بررسی زندگی اجتماعی مردم، از دانش‌هایی مانند تاریخ‌نگاری‌های جدید، از جمله تاریخ اقتصادی، تاریخ فرهنگی، و تاریخ شغل بهره می‌گیرند. (موسی‌پور، ۱۳۸۶، ص ۱۴۷)

بررسی روابط اجتماعی و اقتصادی و نیز گرایش‌های فکری بر اساس شواهد و مستندات تاریخی می‌تواند سهم عمده‌ای در شناخت زوایای پنهان گذشته و پیوند تاریخ و متن زندگی امروزی مردم داشته باشد. با اینکه مشاغل همواره از مهم‌ترین ارکان حیات اجتماعی و اقتصادی مردم به شمار می‌آیند به این مؤلفه تاریخ اجتماعی تاکنون کمتر توجه شده است.

این پژوهش بر آن است تا درخصوص مشاغل شیعیان در قرن‌های سوم تا ششم هجری قمری پژوهیده، به این پرسش پاسخ دهد که آیا با وجود اختلافات عقیدتی میان شیعیان با سایر مسلمانان، تفاوتی در مشاغل آن‌ها با دیگران وجود دارد یا خیر؟ و آیا این اختلاف موجب پدید آمدن مشاغل و مناصب ویژه‌ای میان ایشان بوده است؟

با توجه به رشد و توسعه جوامع شیعی در جهان اسلام و تأثیرگذاری سیاسی و اجتماعی این گروه بر حوادث کنونی جهان، مطالعات همه‌جانبه بر روی حیات اجتماعی ایشان در طول تاریخ اسلام، از اهمیت خاصی برخوردار است.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه متون مربوط به شیعه تاکنون بیشتر به مباحث اعتقادی و کلامی مربوط به ایشان و یا مشاغل و مناصب علمی و فرهنگی آن‌ها پرداخته‌است، این پژوهش می‌تواند با بررسی این مقوله از زندگی شیعیان، کمک شایانی به شناخت بیشتر زندگی اقتصادی و اجتماعی آنان باشد.

بی‌اهمیت دانستن زندگی مردم عادی و ثبت نکردن اطلاعات مربوط به زندگی روزانه از مشکلات رایج در این تحقیقات است. این در حالی است که بی‌اعتنایی به شیعیان و یا فشار به ایشان از سوی حاکمان در بیشتر دوره‌های تاریخی دست‌یابی به منابع لازم درباره زندگی آن‌ها را دشوارتر ساخته است.

لازم به یادآوری است با وجود اختلاف تعبیر درباره «شیعه» این عنوان از کهن‌ترین و رایج‌ترین عناوین برای پیروان و معتقدان به امامت حضرت علی علیه السلام و پیروی از راه و رسم عترت پیامبر صلی الله علیه و آله است و در این پژوهش، به شیعیان امامی اثناعشری اطلاق می‌شود که جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله را حق اختصاصی خاندان رسالت می‌داند و در اخذ معارف اسلام پیرو مکتب اهل بیت علیهم السلام هستند. (طباطبائی، ۱۳۷۸، ص ۲۵)

«شغل» فعالیت است که به وسیله آن، انسان‌ها از محیط اطراف خود بهره می‌گیرند و یا در، ازای آن مزد دریافت می‌کنند. (گیدنز، ۱۳۷۴، ص ۷۸۸) اما «منصب» به موقعیت‌های اجتماعی یا سیاسی خاص اطلاق می‌شود که به صاحبان آن، این امکان را می‌دهد که از مزایای مادی یا معنوی خاصی بهره‌مند شوند.

این دوره تاریخی به سبب تمایز و شکل‌گیری بیشتر جوامع شیعی و آزادی نسبی شیعیان به دنبال روی کار آمدن حکومت‌های مقتدر شیعه، مانند آل بویه، که خلافت بغداد را نیز زیر سلطه داشتند، از اهمیت خاصی برای این‌گونه مطالعات برخوردار است.

به سبب گستردگی ممالک اسلامی و وجود بیشتر شهرهای دارای اکثریت شیعه در ایران و عراق، مطالعه بر روی مشاغل و مناصب ایشان را به این مناطق و به ویژه ایران محدود می‌کنیم. لازم به توضیح است که با توجه به گستردگی جغرافیای انسانی شیعه در این چند قرن و حضور شیعیان در بیشتر شهرهای ایران و عراق، تفکیک میان شیعیان و سایر مسلمانان در مشاغل مانند کشاورزی، صنعت و تجارت غیرممکن به نظر می‌رسد.

همان‌گونه که اشاره شد، منابع لازم برای این‌گونه پژوهش‌ها به سبب فقدان اهتمام مورخان سنتی به مباحث مربوط به تاریخ اجتماعی اندک است و به ناچار، باید اطلاعات لازم را از لابه‌لای منابع دیگر مانند کتب فقهی، کتب رجال، سفرنامه‌ها و جز آن به دست آورد.

از میان کتب جدید در این زمینه تنها می‌توان از کتاب *تاریخ اجتماعی مرتضی راوندی* نام برد که البته به سبب حجم زیاد موضوعات و گستردگی محدوده زمانی، به دوره و موضوع منظور ما بسیار گذرا پرداخته است.

درباره مقالات در این زمینه نیز پس از مطالعه تقریباً ۳۰۰ مقاله مرتبط با موضوع، باید گفت: که در مقالات مربوط به تاریخ اجتماعی شیعیان، بخش اندکی به موضوع «مشاغل» اختصاص یافته

و یا موضوع آن‌ها اوضاع اقتصادی و یا مشاغل مسلمانان و یا شیعیان در قرن‌های قبل یا بعد از دوره منظور این پژوهش بوده و یا در آن‌ها به نکاتی خاص مانند کشاورزی یا تجارت، آن هم در یک محدوده زمانی توجه شده است. بنابراین، می‌توان گفت: درباره مشاغل شیعیان تاکنون کتاب یا مقاله جامعی به نگارش در نیامده و امید است این گام، مقدمه‌ای برای تحقیقات ارزشمندتر در این زمینه باشد.

اگرچه بررسی عنوان مزبور توصیفی و با روش مطالعه اسنادی-کتابخانه‌ای و با استفاده از اسناد دسته اول هر دوره است، اما سعی بر این است که با درک فضای کلی جامعه بر اساس گزارش‌های تاریخی، نقص مربوط به تحلیل تا حدی برطرف شود. در این نوشتار، در هر بخش ابتدا به مشاغل مشترک و سپس به مشاغل و مناصب ویژه شیعیان در آن دوره اشاره خواهد شد.

مشاغل مسلمانان از ظهور اسلام تا قرن سوم

در آستانه ظهور اسلام، بسیاری از اعراب شمالی صحرائین بودند و پرورش شتر برای حمل و نقل و جنگ، در میان آن‌ها اهمیت فراوان داشت. اعراب بز، گوسفند و اسب نیز پرورش می‌دادند. در عربستان شمالی، کشت جو، نخل و درختان دیگر در واحه‌های مناسب کشت معمول بود. راه کاروان‌رو از طریق حجاز به سوریه می‌رفت و بیزانس، سوریه، فلسطین و مصر از این طریق با حبشه و هندوستان از طریق یمن به بازرگانی می‌پرداختند.

مکه به سبب قرار گرفتن در مسیر کاروان‌ها و بازاری که در آن برپا می‌شد، برای عرب‌های صحرائین از اهمیت اقتصادی زیادی برخوردار بود. در این بازار، محصولات دام‌پروری مانند چرم، پشم، دام یا غلات، خرما و دیگر مصنوعات مبادله می‌شد.

بردگان در خانه‌های مکّیان به عنوان خدمه و در فعالیت‌های تولیدی مانند چوپانی و زراعت فعالیت می‌کردند. اهالی مکه همچنین در فعالیت‌های بازرگانی شرکت می‌کردند و سالی دو بار کاروان به سوریه می‌فرستادند. سود این کاروان‌ها گاه به صددرصد بهای کالاهای ارسالی می‌رسید. (راوندی، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۸)

این وضعیت همچنان تا ظهور اسلام و هجرت پیامبر ﷺ به مدینه ادامه داشت. شهر مدینه، که از دیرباز به سبب واقع شدن بر سر راه بازرگانی شمال به جنوب جزیره‌العرب از اقتصاد

شکوفاتری نسبت به سایر مناطق عربستان برخوردار بود، با ورود پیامبر ﷺ و مسلمانان، موقعیت بهتری یافت. اهتمام مهاجران به تجارت بر رونق تجاری این شهر افزود. (حتی، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۱۴۶) خاک حاصل‌خیز، وجود آب‌های زیرزمینی فراوان، و اضافه شدن مهاجران به نیروی انسانی مدینه، کشت محصولات زراعی مانند غلات، حبوبات، میوه‌ها، انواع سبزی و به‌ویژه خرما را افزایش داد. (بلاذری، ۱۹۵۷، ج ۱، ص ۲۲) ساکنان این شهر به مشاغل و حرفه‌های متنوع مانند چوپانی، نگه‌داری شتر و اسب برای جنگ، قصابی، نانواپی، آشپزی، طب، حجامت، آرایشگری، خیاطی، سقایی و نیز صنایعی مانند سب‌دبافی، حصیربافی، بافندگی، نجاری، زرگری، آهنگری و صنایع فلزی مانند ساخت اسلحه، وسایل کشاورزی و زیورآلات مشغول بودند. (واقفی، ۱۹۶۶، ص ۳۸) مردم مدینه همچنین به بنایی و نقشه‌کشی ساختمان اهتمام داشتند. (عسقلانی، ۱۳۲۸، ج ۲، ص ۳۱) در صدر اسلام بیشتر مسلمانان سرشناس یا تاجر بودند یا منبع درآمد منظم داشتند؛ مثلاً،

ابوبکر تاجر پارچه، و عثمان واردکننده غله بود. (راوندی، ۱۳۵۷، ج ۵، ص ۶۱)

ابن خلدون درباره زندگی اعراب می‌گوید: ایشان در آغاز، زندگی چادرنشینی داشتند و به سادگی زندگی می‌کردند. در بعضی خانه‌های کوفه، نی به‌کار رفته بود و در آتش‌سوزی‌ها مشکل‌ساز می‌شد. ناچار مردم از عمر درباره به‌کار بردن سنگ در بنای خانه‌ها اجازه گرفتند و پس از آن، اندک اندک با غلبه خوی مملکت‌داری و تجمل‌خواهی، عرب از عجم در کارها یاری جست و صنایع و امور بنایی را از آنان آموخت و کارگاه‌های صنعتی احداث شد.

وی سپس به کاربرد چوب و درودگری در میان عرب‌ها اشاره کرده، می‌گوید: از چوب علاوه بر گرم کردن بنا و پختن غذا، در کارهای ساختمانی نیز استفاده می‌شد. چادرنشینان از چوب برای ستون و میخ چادرها و ساختن کجاوه، و شهریان برای سقف خانه‌ها و ساختن در و پنجره و تخت‌هایی برای نشستن استفاده می‌کردند. بعضی چوب‌های اره شده را به طور منظم با میخ‌های چوبی به هم متصل می‌کردند و به صورتی که بخواهند در می‌آوردند. خراطا، و نجاران زبردست با ریزه‌کاری‌ها، آثار هنری شگفتی پدید می‌آوردند. (ابن خلدون، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۸۰۷)

پس از ورود مسلمانان به ایران و مناطق دیگر به سبب نا‌آشنایی عرب‌ها با مسائل سیاسی و اقتصادی و راه و رسم مملکت‌داری و اینکه تنها به هدف تبلیغ یا کسب غنایم وارد سرزمین‌های دیگر می‌شدند، اوضاع این ممالک با مشکلات بسیار مواجه شد.

عمر، خلیفه دوم، به جای آنکه غنایم سرشاری را که به مرکز حکومت سرازیر شده بود صرف فعالیت‌های عمرانی و امور کشاورزی یا دیگر پیشه‌ها کند، از آن‌ها فقط در راه گسترش قلمرو اسلام استفاده می‌کرد. وی همچنین مسلمانان را از زراعت، صنعت و کشاورزی منع می‌نمود. این سیاست در زمان عثمان خلیفه سوم نیز ادامه یافت و علاوه بر آن، ظلم و تبعیض اجتماعی و اقتصادی نیز پایه‌گذاری شد. (زیدان، ۱۳۴۵، ج ۲، ص ۲۲) پس از فتح ایران و روم، درآمد اسلام زیاد شد و برای ثبت و ضبط دخل و خرج محتاج دفتر شدند. عمر و دیگر خلفا برای تنظیم امور مالی دفتری تعیین کردند. در متون به شغل «مأمور خراج» نیز در این دوره اشاره شده است. (دینوری، ۱۳۷۱، ص ۱۷۵)

در زمان عمر، ابتدا فقط یک نویسنده نامه‌های رسمی را می‌نگاشت و در همین حال، حساب‌داری هم به عهده او بود و درآمد و هزینه‌ها را در دفتر قید می‌کرد. اما همین‌که دولت اسلامی توسعه یافت، همان یک دیوان (مراسلات و محاسبات) به چندین دیوان، از جمله دیوان «خراج»، «زمام»، «نفقه»، «معادن» و «اقطاع» و دیوان «جند» تقسیم شد. همچنین مراکزی برای رسیدگی به اموال ارثیه، امور حسبی و اموال مظالم پدید آمد که هر یک وظایف و کارکنان مخصوص به خود داشت. (زیدان، ۱۳۴۵، ج ۱، ص ۱۱۵)

با روی کار آمدن بنی‌امیه و استقرار امنیت نسبی، فعالیت‌های اقتصادی مانند رفت و آمد کاروان‌ها از راه خشکی و دریا، دوباره رونق گرفت. عرب‌ها نخست اشتغال به صنعت را شایسته خود نمی‌دیدند و آن را مخصوص موالی می‌دانستند. ولی هنگامی که به تدریج صاحب تمدن شدند، خود را محتاج کسب علم و صنعت یافتند و آن را از موالی فراگرفتند و صنایع ایران میان عرب‌ها متداول شد. در این دوره، هر جایی گشوده می‌شد سرزمین، مردم و دارایی‌های آن به طور کامل به فرمانروایان عرب تعلق می‌گرفت.

در دربار معاویه و سلاطین ایران پس از اسلام، مهم‌ترین شغل در درگاه سلاطین مقام حاجب بزرگ و دومین شغل از لحاظ اهمیت «صاحب حرس» یا «امیر حرس» بود. وزرا مهم‌ترین کارها را برعهده داشتند و عده‌ای را نیز برای مراقبت کارهای حکام و استان‌داران برمی‌گزیدند که «صاحب البرید» (بازرس کل) خوانده می‌شدند. عده‌ای را برای رسیدگی به اموال و املاک خودشان و حساب‌داری و پرداختن حقوق گماشتگان و ملازمان خصوصی مأمور ساختند که «عمّال دیوان خاص» نامیده می‌شدند.

پس از بنی‌امیه نفوذ غیرعرب در دستگاه خلافت فزونی گرفت. پیش از آن در ایران نیز بزرگان از تجارت خودداری می‌کردند. اما در طول قرن دوم، با اهتمام حکومت به تسلط و نظارت بر نواحی دیگر و نیاز به تأمین مالی از هر راه ممکن، بازرگانی و تجارت به سبب منابع مالی و نیز تبلیغاتی آن، جایگاه خاصی یافت.

در دوران خلفای عباسی بر تعداد دیوان‌ها افزوده شد. اداره ایالات همچنان در دست حکام بود و در این میان، شغل «صاحب البرید» که اطلاعات محرمانه را به خلیفه می‌رساند، حتی بیش از دوره بنی‌امیه اهمیت یافت. اداره برید بودجه هنگفت و مأموران ورزیده‌ای در اختیار داشت. منصب «قضا» در اسلام اهمیت فراوان داشت و هر قدر منطقه قدرت مسلمانان بیشتر وسعت می‌گرفت، بر تعداد قاضیان بیشتر افزوده می‌شد. در آغاز نهضت اسلامی، این منصب را فقط به اعراب محول می‌کردند، ولی بعدها ملل دیگر نیز به مقام داوری رسیدند. منصب احتساب و شرطه نیز در دوره عباسیان با پرداخت مبلغی به اشخاص واگذار می‌شد.

متون تاریخی در دوره عباسی از فعالیت بازرگانان، که هم دارای قدرت مالی و هم قدرت تبلیغاتی بودند، یاد می‌کنند که گاه در منازعات سیاسی به نفع گروه‌های گوناگون وارد می‌شدند. عبدالله سجستانی، که تاجر روغن و از شیعیان امام صادق علیه السلام بود، از این جمله بوده است. (جعفریان، ۱۳۸۵، ص ۲۷۹)

در قرن دوم، هم‌زمان با دوران خلفای اموی و خلفای نخست عباسی، شیعیان همچنان از اشتغال در مشاغل و مناصب حکومتی محروم بودند و حتی در بخش کشاورزی نیز به سبب سیاست حکام مبنی بر عدم واگذاری زمین‌های کشاورزی به ایشان، سهم این گروه اندک بوده است. این در حالی بود که سهم ایشان در امور تجاری و صنایع، درخور توجه بوده است. این مطلب را از اسامی و القاب رجال شیعی در کتب رجال، که معمولاً اشاره به حرفه‌ها و مشاغل گوناگون مانند صراف، بزاز، رنگرز و انواع فروشندگان و صنعتگران دارد، می‌توان به خوبی دریافت. (جباری، ۱۳۸۹، ص ۵۰)

مشاغل شیعیان در قرن سوم

قرن سوم تا پنجم دوران پیشرفت صنعت و تجارت مسلمانان و رشد و ترقی شهرها، به‌ویژه در ایران و آسیای میانه بود. در این قرن، خلفای عباسی در بغداد و حکومت‌های مقتدر ایرانی مانند سامانیان و علویان در ایران حکم می‌راندند. در دوره سامانیان، اقتصاد ایران رشد و تکامل یافت و خرابی‌های ناشی از حکومت‌های تحمیلی عرب تا حدی برطرف گردید.

در این دوره، همچنین تفکر شیعی پس از فتح ایران با مهاجرت شیعیان عرب به مناطق گوناگون این سرزمین، تمایلات شیعی ایرانیان و همچنین تلاش عالمان و خاندان‌های شیعی مذهب در ایران انتشار زیادی یافت. تحولات سیاسی و نظامی نیز در افزایش جمعیت شیعه در ایران و عراق نقش داشت، اگرچه با روی کار آمدن متوکل، فشار و سختی بر ایشان افزایش یافت. (اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۳۹۶) ایشان در این دوره، همچنین از دستیابی به مناصب دولتی و حکومتی محروم بودند. (مسعودی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۰۶)

جغرافی‌دانان از شهرهای مهم عراق مانند بغداد، کوفه، بصره و مدائن، که جمعیت شیعه زیادی داشتند، نام برده‌اند. (اصطخری، ۱۳۴۷، ص ۲۰۹) ایشان همچنین از وجود جمعیت‌های شیعی در ولایات گوناگون ایران، مانند شهرهای قم، ری، دینور، اصفهان، همدان، کرمانشاه، کاشان در ولایات جبال و شهرهای ولایات آذربایجان، خوزستان، کرمان، مازندران و خراسان سخن گفته‌اند. (ابن اثیر، ۱۴۱۸، ج ۷، ص ۳۴۰) بنابراین، هرگاه از مشاغل گوناگون مسلمانان مانند صنعت، تجارت یا کشاورزی عراق و ایران در این دوره سخن می‌گوییم، تمام ساکنان شهرها، اعم از شیعه و سنی را دربر می‌گیرد.

۱. کشاورزی و دامپروری

در دوره طاهریان، دولت از کشاورزان حمایت می‌کرد. برخورد سامانیان نیز نسبت به کشاورزان چندان نامساعد نبود. در این دوره، در باغ‌های مرو، موکاری، پنبه‌کاری و تهیه نوغان ابریشم معمول شد و به رشد صنعت تولید پارچه‌های نخی و ابریشمی افزود. در منطقه زرافشان و کاشغر، گندم، جو، ذرت، برنج و سایر محصولات کشاورزی کاشته می‌شد. گله‌داری اهمیت یافت و پرورش گوسفند، اسب و شترهای دوکوهانه معمول بود. (راوندی، ج ۳، ص ۱۰۴)

۲. صنعت

در سمرقند و بخارا، منسوجات ظریف و پارچه‌های ضخیم مورد نیاز اهالی کوچ‌نشین و نیز منسوجات نخی شهرت زیادی داشت. در شهر اورگنج و چاچ، چرم‌های خشن، پارچه‌های کتانی کلفت و سایر کالاهای کوچ‌نشینان تولید می‌شد. نرشخی در توصیف کالاهای بخارا از «بیت الطرازی» در بخارا یاد می‌کند که در آن مصنوعاتمانند بساط، شادروان‌ها، یزدی‌ها و بالش‌های مخصوص به خلیفه بافته می‌شد. (نرشخی، بی‌تا، ص ۲۵)

تولید پارچه‌های نخی و شال‌های بافت کرمان مخصوص بم، بود. در کازرون، پارچه‌های کتانی معروف به «توجی» تولید می‌شد که در تمام عالم اسلام مشهور بود. مصنوعات کاغذی کارخانه‌های سمرقند در سراسر جهان اسلام شهرت داشت و شیشه‌گری به ویژه در خراسان رواج زیادی داشت. (اتینگهاوزن، ۱۳۷۶، ص ۲۳۷) هنر قالی‌بافی در نواحی گوناگون فارس، سیستان، خوزستان، خراسان، کرمان و اصفهان هر کدام با طرح و شکل مخصوص به خود رواج داشت. در فرقان، آهن، قلع، نقره، جیوه و مس و در ناحیه خجند، استخراج نقره به مقدار زیادی صورت می‌گرفت. در شهرهای فرغانه، اسلحه، وسایل کشاورزی و ظروف مسی ساخته می‌شد. (راوندی، ۱۳۵۷، ج ۵، ص ۱۰۹)

۳. تجارت

در قرن سوم، به دلیل فروکش کردن فتوحات و امنیت و آرامش، در عهد اقتدار خلافت عباسی، تجارت رونق گرفت. در این دوره، بسیاری از بازرگانان و کاسب‌کاران مقامات برجسته دولتی در ایران و عراق را به دست آوردند. در دربار مأمون، فضل‌بن سهل، بزرگ‌ترین وزیر خلیفه، تاجر غله بود. در دوران معتصم نیز نمایندگان طبقه بازرگانان بالاترین مقام‌های اجرایی را در دست داشتند. یکی از این افراد ابن عمّار طحّان و پس از او برجسته‌ترین شخصیت سیاسی مردی به نام «زیّات» (تاجر روغن) بود که به وزارت رسید و شهر تاریخی سامرا را بنیان نهاد. در این قرن، راه‌های تجاری از بخارا تا جیحون و آمودریا کشیده شد و تجارت با روسیه هم جریان داشت. کاروان‌های بزرگ علاوه بر تجار، صنعتگران، سفراء، استادکاران، نقّاشان، دانشمندان و سیّاحان را با خود به مسافرت می‌بردند و به وسیله قوای مسلح محافظت می‌شدند. مال‌التجاره که در این دوره از روسیه به ایران می‌رفت، شامل پارچه‌های گران‌بها، سنگ‌های مروارید، جواهرات قیمتی، سلاح و مانند آن بود. نویسندگان از راه دیگری که در امتداد دریای خوارزم بود، سخن می‌گویند. خوارزمیان نماینده طبقه بازرگانان خراسان بودند. از مشاغل مرتبط با تجارت در این قرن و در مراکز مانند خلیج فارس و سیراف، می‌توان از «استحفاظ»، که وظیفه نگهبانی از کالاها را در سفر بر عهده داشت، و یا شغل «گذار» که از مسافران تازه وارد پذیرایی می‌کرد و وظیفه استقرار آن‌ها را در کاروان‌سرا بر عهده داشت، یاد کرد. (راوندی، ج ۵، ص ۱۰۹) جغرافی‌دانان مسلمان از رونق بنادر خوزستان در این قرن یاد کرده‌اند. (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ج ۲، ص ۳۴)

۴. مناصب ویژه شیعیان

برخی مناصب، تنها در میان شیعیان وجود داشت که اگرچه با تعریف شغل فاصله دارد، اما به لحاظ اینکه گاهی افراد به سبب در اختیار داشتن آن از درآمدها و امتیازات مادی خاصی برخوردار می‌شدند، در این قسمت به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. نقابت: منصب «نقابت» برای صیانت از حقوق سادات و رسیدگی به امور آن‌ها به وجود آمد. (ماوردی، ۱۹۹۶، ص ۱۲۱) این منصب به نقل بعضی از نویسندگان، در ایام متوکل پدید آمد و شکل‌گیری آن در قرن سوم، نقطه عطفی در تاریخ اسلام بود. (حسین‌زاده شانه‌چی، ۱۳۸۴، ص ۸۷) هدف از ایجاد این منصب اجتناب از شرایطی بود که سادات تحت نظارت غیر سادات قرار گیرند.

ب. وکالت: این منصب به عنوان راه‌کاری برای ایجاد ارتباط شیعیان با امامان علیهم‌السلام از سوی ایشان به وجود آمد. در قرن سوم و زمان حیات پنج امام اخیر شیعیان، به دنبال افزایش سخت‌گیری بر ایشان و جلوگیری از ارتباط با ائمه علیهم‌السلام مجموعه منظم و منسجمی از وکلا توسط ائمه علیهم‌السلام به وجود آمد. امام در جایگاه ناظر، بر تمام سازمان و اعضا نظارت و وظایف هر یک را مشخص و هماهنگ می‌کرد. برای هر منطقه افراد خاصی به عنوان «وکیل» مشخص و معرفی می‌شد. (مظفر، ۱۳۸۷)

نویسنده کتاب تاریخ قم از نمایندگان امام مانند احمد بن اسحاق بن عبدالله اشعری از راویان و فقیهان قم در قرن سوم و از اصحاب امام نهم و دهم و یازدهم علیهم‌السلام و نیز از احمد بن اسحاق رازی از وکلای امام هادی علیه‌السلام در قم، که وظیفه رساندن وجوهات و اموال مردم را به امام برعهده داشتند، یاد می‌کند. (قمی، بی‌تا، ص ۵۵۶) وجود شیعیان بسیار در ری نیز به سبب وجود یکی از وکلای امام عسکری علیه‌السلام در این دوره است. (جعفریان، ۱۳۸۵، ص ۲۵۱)

مشاغل شیعیان در قرن چهارم

در قرن چهارم و پنجم، با روی کار آمدن حکومت آل بویه و برخورداری شیعیان از آزادی نسبی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، ایشان توانستند ضمن مشارکت با سایر مسلمانان در مشاغل گوناگون مانند کشاورزی، صنعت و تجارت، به مشاغل آموزشی، سیاسی و اداری نیز دست یابند.

۱. کشاورزی

عضدالدوله در عهد حکومت خود، در ترویج کشاورزی و عمران قنوات و ساختن آسیاها و سدها کوشید و عرب‌های بادیه‌نشین را در زمین‌های موات فارس و کرمان مستقر کرد. در این عهد، کشت مزروعات قدیم، مانند برنج توسعه یافت و کشت‌های جدید، مانند مرکبات متداول شد. وی عمل آوردن ابریشم را به خود منحصر نمود و به نفع کشاورزان مقررات جدیدی وضع کرد. جو و گندم در تمام فلات ایران کشت می‌شد. مسلمانان از نظر تولید انواع محصولات کشاورزی، نه تنها خودکفا بودند، بلکه محصولات خود را به سایر مناطق مجاور صادر می‌کردند. (متز، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۷) بدین‌سان، درآمد کشور به نسبت زیادی افزایش یافت.

۲. صنعت

در دوره آل بویه، پارچه‌بافی در بیشتر دهات و شهرها معمول بود. در رشته نساجی و قالی‌بافی پیشرفت‌هایی حاصل شد. در بعضی مناطق، پارچه‌های معمولی و در برخی مناطق، پارچه‌های ظریف و زیبا به دست کارگران ورزیده بافته می‌شد. زربفت به مقدار زیاد در نیشابور، اصفهان و شوشتر و منسوجات ابریشمی در شیراز، ری، اصفهان و بسیاری از شهرهای خوزستان، فارس و خراسان تهیه می‌شد. انواع پارچه‌های ابریشمی از قبیل اطلس و کمخا، بویژه در یزد، ری و نیشابور تهیه می‌شد. پارچه‌های کتان‌ی شهرهای فارس و کازرون مشهور بود. بدین‌روی، صنعت نساجی از صنایع دیگر بیشتر ترقی کرده بود. قالی‌های پشمی و ابریشمی در شهرهای فارس، خوزستان و خراسان بافته می‌شد. (راوندی، ۱۳۵۷، ج ۵، ص ۸۹)

از میان صنایع دیگر، کاشی‌سازی و تولید ظروف سفالی، به‌ویژه در کاشان و ری، ترقی بسیاری کرده بود. بلورسازی و شیشه‌گری در نواحی گوناگون ایران، مانند خراسان شهرت داشت. فلزکاری، قلم‌زنی و تولید مصنوعات زیبای مسی، برنجی، نقره‌ای و طلایی در شهرهای ایران و عراق رواج داشت. (اتینگهازون، ۱۳۷۶، ص ۴۶) مصنوعات آهنی در شهرهای فارس و شمشیرسازی، به‌ویژه در بغداد، رواج داشت. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۵۰) در شیراز و دیگر شهرهای فارس، روغن‌گل‌های گوناگون و عطریات برای صادرات تهیه می‌شد. کار استخراج معادن نیز در این دوره بالا گرفت. از آن‌ها نقره، آهن، طلا، مس، نفت، قلع، سرب، گوگرد، لعل و فیروزه استخراج می‌شد. (راوندی، ۱۳۵۷، ج ۵، ص ۸۹)

۳. اصناف و پیشه‌وران

کتاب تاریخ قم در این قرن، به دو شغل «ضرابی» و «صرافی» در میان اهالی قم که اکثریت ساکنان آن را شیعیان تشکیل می‌دادند، اشاره کرده، می‌گوید: این دو شغل در میان خانواده‌ها موروثی بوده. (قمی، بی‌تا، ص ۳۹)

نیشابور نیز با داشتن جمعیت شیعه فراوان، دارای بازارهای بزرگ و کوچکی بود که در آن کاروان‌سراها و مهمان‌سراهایی بنا شده و تجار در آن‌ها به دادوستد مشغول بودند. در سراهای این بازارها، کارگران و ارباب صنایع دکان‌هایی داشتند که به رسته‌های گوناگون پیشه‌وران مانند رسته کلاه‌دوزان، کفشگران، خزفروشان، ریسندگان و بزآزان تعلق داشت. (راوندی، ۱۳۵۷، ج ۵، ص ۸۹) اجداد آل بویه، که از خاندان‌های شیعه قرن چهارم بودند، به نقل خودشان، ماهیگیر بودند. خود معزالدوله پیش از حکومت هیزم‌شکن بود. در مناطق شیعه‌نشین بغداد در این دوره، از مشاغلی مانند کتاب‌فروشی، شمشیرسازی، مسگری و تجارت نام برده می‌شود. (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۲۱)

۴. تجارت

تجارت و درآمد مردم در دوره عضدالدوله به سبب جلوگیری وی از خرج‌های غیرلازم و امنیت فوق‌العاده‌ای که در راه‌ها بوجود آمده بود، افزایش یافت. تجارت بردگان در این قرن، از رشته‌های مهم تجاری در ایران بود. آن‌ها را از کشورهای اروپای شرقی، هندوستان و آفریقا وارد می‌کردند. در قرن چهارم، بغداد در غرب جهان اسلام، بار اصلی تجارت سرزمین‌های شرقی را به دوش می‌کشید. (اشپولر، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵) در این دوره، تجارت و بازرگانی دریایی به شدت رواج یافت و دریانوردان بزرگی مانند ابن کهلان و ابن شادان از ناخدایان معروف سیراف بودند که در دفاتر تجاری آن مهم‌ترین معاملات بازرگانی آن عصر صورت می‌گرفت. روی کشتی‌ها عده‌ای منجم با وسایل و آلات دقیق به مراقبت و هدایت کشتی مشغول بودند. (راوندی، ۱۳۵۷، ج ۵، ص ۹۲)

در این دوره، به سبب تسلط آل بویه بر نواحی مرکزی و جنوبی ایران، تجارت، به ویژه در شهرها و بنادر خوزستان، رونق گرفت. سفرنامه‌نویسان مسلمان، از جمله ناصر خسرو در آثار خود، به این رونق اشاره کرده‌اند. (عبادی، ۱۳۸۸، ص ۳۷)

۵. مناصب و مشاغل ویژه شیعیان در این قرن

با قدرت یافتن حکومت شیعی آل بویه و حمایت ایشان، مناصب شیعیان در این قرن گسترده‌تر و اهمیت بیشتری یافت. (جلیلیان، ۱۳۹۲، ص ۱۲۴)

الف. نقابت سادات: با افزایش شوکت سادات در این قرن و گسترش خاندان‌های طالبی در بغداد، خلفا نقیبانی برای آن‌ها قرار دادند. در این دوره، مدتی پدر شریف رضی و سپس خود وی نقابت علویان را برعهده داشتند. (ابن خلکان، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۴۴) در منابع تاریخی این قرن، به این منصب بسیار اشاره شده است و از علی بن حمزه و ابو احمد بن علی و پدر وی محمد بن حمزه، که شغل نقابت داشتند، و همچنین از نقیب دیگری به نام ابو محمد ابوهاشم، که از قم به بصره رفته و در آنجا از سوی معزالدوله به منصب نقابت سادات رسید، یاد شده است. (قرطبی، ۱۴۰۹، ص ۳۳) نقیبان در این دوره فعالیت‌ها و مناصب دیگری مانند قاضی القضاة، و واسطه شدن در صلح و امارت کاروان‌های حجاج را نیز برعهده داشتند.

ب. مرجعیت: این منصب پس از غیبت آخرین امام شیعیان علیه السلام، به اشاره آن حضرت به وجود آمد. مراجع شیعه عالمان دینی برجسته‌ای بودند که وظیفه ارشاد و راهنمایی و پاسخ‌گویی به مسائل دینی مردم را برعهده داشتند. (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۲۱) ایشان همچنین مسئولیت هزینه کردن وجوهات دریافتی از شیعیان را در جهت مصالح شرعی جامعه شیعه عهده‌دار بودند.

ج. مناقب خوانی: از فعالیت‌های مخصوص شیعیان در این قرن، «منقبت‌خوانی» بوده. اینان ظاهراً از دوره آل بویه در طبرستان و بعضی نواحی عراق سرگرم کار بودند و از سوی حکومت حمایت می‌شوند، به‌گونه‌ای، که علاوه بر شهرهای شیعه‌نشین ایران، در بغداد و کرخ هم فعالیت داشتند. (جلیلیان، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵) مناقب‌خوانان قصیده‌های شیعیان را، که در آن عصر «رافضی» خوانده می‌شدند، در مدح علی علیه السلام و یا سایر ائمه علیهم السلام در کوی و برزن و بازار می‌خواندند و در آن‌ها گاهی به دسته‌ای از صحابه، که غاصبان حق شمرده می‌شدند، تعرضاتی وجود داشت. برگرد ایشان حلقه‌هایی از شیعه و گاه مردم دیگر تشکیل می‌شد. رفتار مخالفان با آن‌ها، گاه بسیار خشن بود، چنان‌که گاه حاکمان متعصب زبان بعضی از ایشان را می‌بریدند. (قزوینی، ۱۳۵۸، ص ۷۶) اگرچه مناقب‌خوانی، به ویژه در قرون گذشته، بیشتر با انگیزه‌های معنوی و غیرمادی انجام می‌شد و با تعریف ارائه شده از «شغل» فاصله دارد، اما گاهی نیز این فعالیت موجب کسب درآمد برای صاحبان آن بوده. به همین سبب، در بخش مشاغل ویژه شیعیان ذکر گردید.

مشاغل شیعیان در قرن پنجم

در این قرن، شیعیان از آزادی و امنیت نسبی برخوردار بودند. در منابع تاریخی این قرن، اشارات زیادی به رونق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرهای شیعه‌نشین مانند قم، کاشان، ورامین و سبزوار شده است. (قزوینی، ۱۳۵۸، ص ۱۹۴) جغرافی‌دانان نیز از آبادانی مناطق شیعه‌نشین از جمله بغداد، ری و مازندران در این قرن سخن گفته‌اند. (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۵۱۷)

۱. کشاورزی

کشاورزی در این قرن رونق چندانی نداشت. روستاییان در دوره غزنوی، در نتیجه مالیات‌ها و عوارض سنگین و ظالمانه و غارت و چپاول، از محل اقامت خود رو به فرار می‌نهادند. پس از ایشان سلجوقیان در ابتدا، به سبب ناتوانی قادر به گرفتن مالیات زیاد از مردم نبودند و همین امر قدری از فشار بر روستاییان کاسته بود. اما با دادن اقطاع، وضع آن‌ها دگرگون شد، تا آنکه نظام‌الملک با اخطار به اقطاع‌داران، به حمایت از رعایا برخاست.

۲. صنعت

در این دوره، با وجود اختلاف طبقاتی و دوام جنگ‌های داخلی و مذهبی، در زمینه معماری و شهرسازی، ساختن مصنوعات فلزی، ساختن ظروف سفال، قالی‌بافی، پارچه‌بافی، رنگرزی و کاغذسازی پیشرفت‌هایی به وجود آمد. (متز، ج ۳، ص ۱۹۵) تذهیب و نقاشی در این قرن، از رشد و ترقی زیادی برخوردار بود. (اتینگهاوزن، ۱۳۷۶، ص ۲۴۷)

۳. تجارت

در این قرن، بازرگانی در تمام کشورهای دنیای قدیم رواج داشت. اگرچه به سبب وجود جنگ‌های صلیبی، بعضی از کشورهای اروپایی سهم کمتر و بعضی مانند ایتالیا سهم بیشتری از بازرگانی جهان را به خود اختصاص داده بودند، ولی در هر حال، چون راه‌های اصلی کاروانرو همچنان از ایران می‌گذشت، رشد و ترقی تجارت در شهرهای ایران اثر بسزایی داشت. از آن‌رو که در این دوره پیشه‌وران و ارباب حرف مجبور به پرداخت مالیات‌های ظالمانه به صاحبان سرمایه بودند، گروهی به نام «اهل الفتوه» یا «جوان‌مردان» برای حمایت از ایشان به وجود آمدند. اینان با سیاست ظالمان رباخوار مخالفت می‌کردند و گاه قتل ظلمه را نیز جایز می‌شمردند. (راوندی، همان، ص ۳۲۵)

۴. مشاغل درباری

در این قرن، پس از دوران سلاجقه، که امنیت و آرامش نسبی برقرار بود، قتل و غارت‌های پیاپی و آزار مردمان همه جا را فراگرفت و آرامش درونی و اعتماد مردم، که لازمه رونق اقتصاد است، از آن‌ها سلب شد. غزنویان از اقتدار زیادی برخوردار بودند و مشاغل درباری در این دوره گستردگی زیادی داشت. این مشاغل به نقل از منابع تاریخی این قرن عبارت بودند از:

۱. «آغاجی» که ظاهراً نوعی حاجب و خادم خاص و واسطه ابداع مطالب و رسایل سلطان است.
۲. «آخور سالار» که امور طویله اسبان را عهده‌دار بود.
۳. «پرده‌دار» که در دربار، مأمور بالا بردن پرده بود.
۴. «جاسوس»
۵. «جامه‌دار» که مأمور جامه‌خانه سلطان بود.
۶. «چوگان‌دار»، کسی که گوی و چوگان سلطان نزد او بوده.
۷. «حاجب بزرگ» که سالار و فرمانده حاجبان بود.
۸. «حوائج‌کشان» یا «کارپردازان مطبخ».
۹. «خازنان».
۱۰. «خیلتاشان» یا «سپاهیان».
۱۱. «خواجه‌شماران»؛ یعنی کسانی که در شمار خواجگان بودند.
۱۲. «رسول‌دار» که مأمور راهنمایی و پذیرایی رسولان بود.
۱۳. «زمامان»، به معنای ناظر و مشرف.
۱۴. «ساقیان» که به شاه آب و شراب می‌دادند.
۱۵. «سفیران».
۱۶. «شحنه».
۱۷. «غاشیه‌دار» که زین روی اسب را در جلو حمل می‌کرد.
۱۸. «مبشّران» که مأمور رساندن خبرهای خوش بودند.
۱۹. «مسخرگان» و «لطیفه‌گویان».
۲۰. «مطربان».
۲۱. «نقیبان» که بزرگان و پیشوایان بودند و معرفت به احوال خلق داشتند.

«نخست وزیر» یا «خواجۀ بزرگ» پس از امیر، مهم‌ترین شخصیت سیاسی مملکت بود. «حاجب» نیز در سلطنت غزنویان مقام و موقعیت ممتازی داشت و غالباً در مسائل و مشکلات سیاسی و نظامی محل مشورت بود. (بیهقی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۲۹) یکی دیگر از مشاغل دولتی در این دوره، مأمور «جمع‌آوری» و وصول مالیات بود که حتی امیر یک ولایت نیز باید مالیات خود را به وی می‌داد تا به خزانه بدهد. منابع به شغل «عیاری» نیز در این دوره و در عهد خلافت و پادشاهی غزنویان اشاره می‌کنند. ایشان گروهی از کشاورزان بودند که با از دست دادن زمین‌های خود، رو به شهرها آورده، و دسته‌های مسلحی برای جهاد با کفار به وجود آورده بودند. خاندان‌های معروف و نجیب ایرانی در عهد غزنویان، خوارزمشاهیان و مغول، معمولاً مشاغل دیوانی و صاحب دیوان را برعهده داشتند.

۵. مناصب و مشاغل ویژه شیعیان

در این قرن نیز «نقابت» و «مرجعیت» از جمله مناصب خاص شیعیان بود. با وجود فشارها و استخفافی که بر شیعیان از سوی بعضی سلاطین سلجوقی وجود داشت، در قرن پنجم نیز همچنان منقبت‌خوانی در میان شیعیان رواج داشت. (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۱۷۲)

مشاغل شیعیان در قرن ششم

درباره وضعیت کشاورزی، صنعت و تجارت در این قرن، اشارات زیادی در منابع وجود ندارد، در حالی که مشاغل درباری همچنان از تنوع و گستردگی زیادی در این دوره برخوردار بود.

۱. مشاغل اداری و درباری

در دولت خوارزمشاهیان نیز همان مشاغل عمده عهد سلطنت سلجوقیان، یعنی مقام «وزیر»، «قاضی» و «مستوفی» وجود داشته. اصطلاحات «وکیل» و «مشرف» در قرن ششم هجری ظاهراً اندکی تغییر کرد و علاوه بر «وکیل درگاه»، از «وکیل دیوان خاص» نیز یاد شده است. «وکیل» بر وصول و دریافت وجوه نقدی نظارت می‌کرد. در ایالات، این وظیفه را «مشرفان» انجام می‌دادند. رئیس این اداره متصدیان مشاغل را در ایالات معین می‌کرد. فقط وزیران ایالتی به فرمان سلطان منصوب می‌گشتند.

در میان مشاغل لشکری، برخلاف دولت سلجوقیان، شغل «دژخیم» دارای اهمیت بسیار بود. یکی از راه‌های رشد تشیع نفوذ شیعیان امامی مذهب در ساختار اداری دولت سلجوقی است. از نکات حایز اهمیت در زمان سلطنت سلجوقیان، این بود که بالاترین سمت‌های اداری مانند وزارت و مستوفی‌گری را کسانی برعهده داشتند که بیشتر شیعی مذهب و خصوصاً قمی، آوهای، فراهانی و کاشانی بودند. (جعفریان، ۱۳۸۵، ص ۴۸۵)

سادات علوی و نقبای آنان با داشتن شغلی مهم، توانستند به‌عنوان یکی از تکیه‌گاه‌های تشیع شناخته شوند.

شیعه در این دوره، برای تبلیغ مقاصد مذهبی خود، راه مهم دیگری نیز داشت که آن تألیف کتاب‌هایی در زمینه کلام، تفسیر، حدیث و نظایر این‌ها بود و چون عده‌ای از متعصبان سایر فرق کتب خاصی در بیان فضایح آن‌ها می‌نوشته‌اند، شیعه هم کتاب‌هایی در دفاع از خود تألیف کردند؛ مانند کتاب *النقض* و یا کتبی در رد فضایح شیعه و یا بیان فضایح فرق مخالف شیعه. این دوره، دارای کتاب‌خانه‌ها، مدارس، منابر و علمای بسیار بوده و از جمله مطاعن اهل سنت به تشیع یکی آن بود که این مذهب را تغییر شکلی از آیین زرتشتی می‌شمردند و معتقد بودند: ایرانیان برای آنکه انتقام خود را از رجال اسلامی و اسلام بگیرند از راه تشیع به لباس اسلام درآمدند و کردند آنچه خواستند. نویسنده کتاب *فضائح ضمن ابراز ناراحتی شدید خود از رواج نفوذ شیعیان در دستگاه‌های دولتی*، این دوره می‌نویسد: «اکنون کدخدایان، حاجبان، دربانان، مطبخیان و فراشان بیشتر رافضی‌اند و بر مذهب رفض مسئله می‌گویند و شادی می‌کنند.» (قزوینی، ۱۳۵۸، ص ۱۱۳)

در این عهد، همچنین با توجه به ادبیات متون، از جمله *تاریخ الوزراء ابوالرجاء قمی*، که در این قرن تألیف شده، اوج تسلط شیعیان بر ادبیات دبیری و اداری، روزگار سلجوقی را می‌توان مشاهده کرد.

۲. مناصب و مشاغل ویژه شیعیان

مناصب ویژه شیعیان در قرن‌های گذشته مانند مرجعیت و نقابت همچنان باقی بود. مناقب‌خوانان در این قرن نیز به فعالیت خود ادامه می‌دادند. با توجه به تلاش‌های فرهنگی شیعه در این عهد، از مشاغلی در ری با عناوین «مدّاح»، «واعظ»، «مذکر» و «متکلم» نیز در منابع یاد شده است. (جعفریان، ۱۳۸۵، ص ۴۷۱)

نتیجه

در این نوشتار، موضوع مشاغل به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم تاریخ اجتماعی شیعیان در قرن‌های سوم تا ششم هجری قمری بررسی شده که نتایج و دستاوردهای آن عبارت بود از:

۱. در این چند قرن، اوضاع اقتصادی مسلمانان رو به ترقی و تکامل گذاشت؛ چنان‌که در قرن چهارم و پنجم به اوج شکوفایی خود رسید. با روی کار آمدن دولت شیعه آل بویه و به وجود آمدن امنیت نسبی، کشاورزی، صنعت و تجارت و دیگر مشاغل در این چند قرن از رونق خوبی برخوردار شد.

۲. با توجه به حضور شیعیان به عنوان بخشی از جامعه اسلامی در سراسر مناطق و شهرهای مهم عراق و ایران ایشان در تمام فعالیت‌های اقتصادی و مشاغل گوناگون با دیگر مسلمانان مشارکت داشتند، هرچند در زمان بعضی از حکومت‌ها از دست‌یابی به مشاغل و مناصب اداری و حکومتی محروم بودند.

۳. اگرچه تفاوت شیعیان در برخی از اعتقادات با دیگر مسلمانان موجب پدید آمدن مناصبی ویژه در میان ایشان شد که از جمله آن‌ها می‌توان به «نقابت»، «مرجعیت»، «وکالت» و یا فعالیت‌هایی مانند «مناقب‌خوانی» اشاره کرد، که گاه موجب کسب درآمد و امتیازات مادی ویژه‌ای برای صاحبان آن می‌شد، اما با توجه به نسبت اندک صاحبان این مناصب با عامه مردم و مشاغل معمول در میان طبقات گوناگون نمی‌توان وجود آن‌ها را دلیلی بر وجود تفاوت شیعیان و سایر مسلمانان در بخش مشاغل و فعالیت‌های اقتصادی دانست.

بنابراین، از آنچه گفته شد می‌توان به این نتیجه کلی رسید که شیعیان با وجود برخی اختلافات عقیدتی با سایر مسلمانان در طول این چند قرن، در تمامی مشاغل موجود در جامعه اسلامی مشارکت داشتند و سهم قابل توجهی از رونق اقتصادی مسلمانان در این دوره به ایشان تعلق داشته است.

امید است در آینده ابعاد دیگری از حضور و تلاش شیعیان در جوامع اسلامی و نقش ایشان در پیشرفت‌های جهان اسلام بررسی و واکاوی شود.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین علی، *الکامل فی التاریخ*، ترجمه عباس خلیلی، تهران، علمی، بی‌تا.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی، *المنتظم فی التاریخ الامم و الملوک*، تحقیق عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲.
۳. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۴۵.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
۵. اتینگهاوزن، ریچارد، «هنر ایران در قرن دوم تا پنجم هجری قمری»، ترجمه دکتر یعقوب آژند، نامه پژوهش فرهنگی، ش ۴، بهار ۱۳۷۶.
۶. احسانی، سید محمد، «تاریخ اجتماعی شیعیان بغداد و برخی مناطق شیعه‌نشین در قرن چهارم هجری قمری»، *تاریخ در آینه پژوهش*، ش ۲۰، ۱۳۸۷.
۷. اشیولر، بارتولد، «تجارت سرزمین‌های شرقی در سده‌های نخستین»، *تاریخ اسلام*، ش ۵، ۱۳۸۰.
۸. اصطخری، ابراهیم، *المسالک و الممالک*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷.
۹. اصفهانی، ابوالفرج، *مقاتل الطالبیین*، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق.
۱۰. امام، سیدجلال، «تاریخ اجتماعی شیعیان بغداد و برخی مناطق شیعه‌نشین در قرن پنجم هجری قمری»، *تاریخ در آینه پژوهش*، ش ۴، ۱۳۸۶.
۱۱. بلاذری، *فتوح الودان*، تحقیق صلاح‌الدین منجد، قاهره، منجد، ۱۹۵۷.
۱۲. بیهقی، ابوالفضل، *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی‌اکبر فیاض، چ سوم، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۵.
۱۳. جلیلیان، قهرمان، «نقش حکومت آل بویه در توسعه فرهنگ شیعی»، *پژوهش‌های علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ش ۲۱، ۱۳۹۲.
۱۴. حنّی، فیلیپ خلیل، *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، آگاه، ۱۳۶۶.
۱۵. حسین‌زاده شانه‌چی، حسن، «جغرافیای انسانی شیعه در آستانه غیبت»، *شیعه‌شناسی*، ش ۱۰، ۱۳۸۴.
۱۶. دینوری، ابوحنیفه، *اخبار الطوال*، ترجمه مهدی دامغانی، تهران، نی، ۱۳۴۱.
۱۷. راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.
۱۸. زیدان، جرجی، *تاریخ تمدن اسلامی*، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *شیعه در اسلام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۲۰. طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، تصحیح عبدالقاسم پاینده، چ سیزدهم، تهران، اساطیر، بی‌تا.
۲۱. عبادی، عبدالواحد، «بنادر خوزستان در قرن سوم و چهارم هجری»، رشد آموزش تاریخ، ش ۳۵، ۱۳۸۸.
۲۲. عبدالعزیزبن ادریس، عبدالله، «وضع اقتصادی مدینه در عهد نبوی»، ترجمه دکتر شهلا بختیاری، تاریخ اسلام، ش ۲۳، ۱۳۸۶.
۲۳. عسقلانی، ابن حجر، الاصابه، قاهره، سعادة، ۱۳۲۸ق.
۲۴. قرطبی، عریب بن سعد، دنباله تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، بی‌تا.
۲۵. قزوینی، رشیدالدین عبدالجلیل، النقص، تصحیح جلال‌الدین محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
۲۶. قمی، حسن بن محمد، ترجمه حسن بن علی قمی / تحقیق محمدرضا انصاری، قم، کتابخانه آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۸۵.
۲۷. ماوردی، ابوالحسن، احکام، السلطانیه و الولايات الدینییه، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۶.
۲۸. متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن ۴، ترجمه علیرضا ذکاوتی قرگوزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۲۹. محمدرضا جبّاری و سید محمداحسانی، «وضع اقتصادی شیعیان عراق در عصر صادقین»، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۴، ۱۳۸۵.
۳۰. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.
۳۱. مظفر، محمدحسین، تاریخ الشیعه، ترجمه محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۳۲. مقدسی، عبدالله محمدبن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱.
۳۳. موسی‌پور، ابراهیم، «تاریخ اجتماعی»: رویکردی نوین به مطالعات تاریخی، تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۵، ۱۳۸۶.
۳۴. نرشخی، ابوبکر محمدبن جعفر، تاریخ بخارا، تهران، توس، ۱۳۵۱.
۳۵. واقدی، محمد بن عمر، مغازی رسول‌الله، تحقیق مارسدن جونز، لندن، آکسفورد، ۱۹۹۶.